

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی

اسماعیل اثباتی^۱

سید کاظم طباطبایی^۲

چکیده

شیخ کلینی برای تألیف کتاب الکافی از منابع و مکتوبات پیش از خود استفاده کرده و طریقی به آن کتاب‌ها داشته است، اما مطالب برخی از این منابع هم با واسطه کتاب‌های نسل‌های بعد به دست شیخ کلینی رسیده است. در این نوشتار، به معرفی برخی از منابع تاریخی مورد استفاده شیخ کلینی می‌پردازیم. شیخ کلینی از کتاب سلیم بن قیس، کتاب‌های جابر بن یزید جعفی، ابان بن تغلب، ابو محمد جعفری، ابو اسحاق احمدی نهاوندی، اخبار السید اسحاق بن محمد نخعی، کتاب المبتدأ و المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة اثر ابان بن عثمان، کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی، ابراهیم بن محمد ثقفی، سلمة بن خطاب، نصر بن مزاحم منقری، هشام بن محمد بن سائب کلبی، محمد بن سنان، حسین بن حسن حسینی، اخبار القائم علیه السلام، اعلان کلینی و منابع دیگر استفاده کرده است و کتاب‌های تاریخی نسل‌های بعد از شیخ کلینی مانند: الارشاد شیخ مفید، کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق، کفایة الاثر خزاز قمی، الغیبة شیخ طوسی و الغیبة نعمانی و امدار شیخ کلینی هستند و بسیاری از مطالب خود را از کتاب الکافی نقل کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: کتابخانه شیخ کلینی، منابع الکافی، منابع تاریخی الکافی.

درآمد

در باره شیخ کلینی و کتاب الکافی بسیار گفته و نوشته‌اند، اما این که شیخ کلینی برای تألیف کتابش از چه منابعی استفاده کرده است، چه منابعی را برگزیده و از آنها

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

استفاده کرده است و از چه منابعی استفاده نکرده و این که دلیل استفاده از برخی منابع و بی توجهی به منابع دیگر چیست و منابع شیخ کلینی از چه راهی به دست اورسیده، بحثی است که کمتر بدان توجه شده است.

روایات تاریخی *الکافی* را باید بیشتر در جلد اول و هشتم آن جست و جو کرد؛ هر چند سایر مجلدات آن نیز خالی از فواید تاریخی نیست. شیخ کلینی در انتهای جلد اول چندین باب را آورده که نام کلی «ابواب التاریخ» را بر آنان گذاشته است. این ابواب با «باب مولد النبی ﷺ» شروع می شود و در ادامه برای هر یک از معصومان بابی با این عنوان اختصاص یافته است. این ابواب با هدف استفاده های کلامی نوشته شده است. از این رو، نباید انتظار داشت که سیره معصومان در این ابواب ذکر شده باشد، ولی نکات تاریخی مفیدی در این میان به چشم می خورد. نمونه دیگر ابوابی است که با «باب الاشارة والنص علی امیر المومنین ﷺ» شروع شده و دلایل و نصوص مربوط به امامت امامان دوازده گانه را در بر دارد. از آنجا که *الکافی* در عصر غیبت صغرا نوشته شده است، ابواب مربوط به زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام و غیبت امام مهدی علیه السلام در این کتاب ارزش تاریخی زیادی دارند.

شیخ کلینی در کتاب *الروضه* داستان ها و روایات تاریخی گوناگونی از زندگی انبیا از نوح تا عیسی علیه السلام و سیره و جنگ ها و زندگانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام و رویدادهای پس از وفات پیامبر و ماجرای فدک و سقیفه گزارش می دهد. در باره سایر رویدادهای تاریخ اسلام، مانند زندگی سایر امامان و خلفای بنی امیه و بنی عباس و برخی اصحاب رسول خدا و یاران امامان گزارش هایی در *روضه الکافی* آمده است.

شیوه یادکرد از منابع در متون اسلامی تقریباً شامل دو دوره است: دوره اول - که تا قرن چهارم ادامه داشت - به صورت نقل نام مؤلف و معمولاً بدون نام بردن از کتاب مورد استفاده بوده است؛ به خصوص در مباحث حدیثی که به صورت نقل زنجیره وار سند از نویسنده تا صاحب سخن بوده است، اما به مرور زمان و با جایگزین شدن نقل کتبی به جای نقل شفاهی معمولاً نویسنده یک بار سند خود را تا کتاب پیشین در جایی ذکر می کرد و پس از آن، در هر بار ارجاع به آن کتاب نام کتاب یا مؤلف ذکر می شد.^۳ در کتاب های حدیثی معمولاً این بخش - که شبیه فهرست منابع و مأخذ در نوشته های

۳. در این باره رک: «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده»، ص ۲۴۲.

امروزی بوده است - به نام مشیخه مشهور شده است. با استفاده از بخش مشیخه کتاب‌هایی مانند تهذیب و من لایحضره الفقیه تا حد زیادی می‌توان با منابع مورد استفاده شیخ طوسی و شیخ صدوق آشنا شد. اما شیخ کلینی کتاب خود را به شیوه عالمان قرون نخستین نگاشته است و از این رو، در کتاب خود تقریباً نام هیچ یک از کتاب‌ها و منابع مورد استفاده خود را ذکر نکرده است و به جای آن برای هر روایتی که آورده، سندی را تا معصومان نقل کرده است. این سند - که در کتاب به صورت یکپارچه نقل شده است - در حقیقت دو بخش دارد: بخش اول سند شیخ کلینی به کتابی است که از آن کتاب نقل کرده است مثلاً سند شیخ کلینی به کتاب الحلبی و بخش دوم سندی است که نویسنده کتاب منبع برای احادیث خود داشته است و آن احادیث را از معصومان نقل کرده است. این در صورتی است که بر این باور باشیم که شیخ کلینی فقط از کتاب‌هایی روایت‌ها را برگرفته است که آن کتاب‌ها منابع اصلی احادیث شیعه یا همان اصول اربعه‌آم‌ه باشند؛ در غیر این صورت، کار کمی پیچیده‌تر خواهد بود؛ مثلاً وقتی شیخ کلینی مطالبی را از کتاب بصائر الدرجات صفار نقل می‌کند و صفار نیز خودش مطالب کتاب را از کتاب‌هایی که در اختیار داشته جمع‌آوری و نقل کرده باشد، در این صورت، سندی که شیخ کلینی نقل می‌کند، شامل چند بخش خواهد بود: بخش اول. سند شیخ کلینی به کتاب بصائر الدرجات،

بخش دوم. سند صفار قمی به منابع مورد استفاده خودش در بصائر،

بخش سوم. سند منبع کتاب بصائر الدرجات برای احادیث که تا معصومان ادامه دارد. در این نوشتار تلاش شده به برخی از منابع تاریخی که به احتمال زیاد، در اختیار شیخ کلینی بوده و از آنها استفاده کرده است، پرداخته شود. به این منظور، ابتدا با مراجعه به کتاب‌های فهرست، مانند فهرست‌های نجاشی و طوسی و ابن ندیم، منابع تاریخی استخراج شده و از بین آنها منابعی که قبل از شیخ کلینی بوده، انتخاب شده است و در مرحله بعد استفاده شیخ کلینی از این منابع بررسی شده است. به این منظور، علاوه بر نرم افزارهای حدیثی از تلاش‌های آیه الله بروجردی در ترتیب اسانید کتاب الکافی هم کمک گرفته‌ایم. شیخ کلینی در مواردی روایت‌هایی را که از برخی صاحبان کتاب‌ها نقل می‌کند، با اسناد تکراری نقل می‌کند. این اسناد تکراری در مواردی نشان دهنده سند شیخ کلینی به کتاب‌های این افراد است و در مواردی با اسناد کتاب‌های این اشخاص - که در کتاب‌های فهرست آمده - مشابهت‌هایی دارند و نشان‌گر این است که این کتاب‌ها

با همان سندی که نجاشی، طوسی یا صدوق (در مشیخة الفقیه) در اختیار داشته‌اند، به دست کلینی رسیده است و در مواردی هم سند شیخ کلینی با سند آنها متفاوت است.

منابع تاریخی شیخ کلینی

شیخ کلینی برخی از کتاب‌ها و رساله‌های تاریخی - حدیثی پیش از خود را در اختیار داشته است و به طور مستقیم از آنها نقل کرده است. البته طبیعی است که شیخ با واسطه‌هایی این کتاب را در اختیار گرفته است و هنگام نقل از آنها سند خود به آنها را در ابتدای روایات ذکر می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد برخی منابع تاریخی به دست شیخ کلینی نرسیده است و شیخ اطلاعات موجود در آن کتاب‌ها را با واسطه کتاب‌های دیگری که در موارد بسیار کتاب‌های نسل‌های بعد بوده‌اند نقل می‌کند. برخی منابع احتمالی شیخ کلینی از این قرارند:

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی (قرن اول)

چند مورد از گزارش‌های تاریخی شیخ کلینی از کتاب سلیم بن قیس گرفته شده است؛ از جمله آنها گزارش مربوط به وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام در حضور بزرگان شیعه، گزارش مناظره بزرگان بنی هاشم و شیعه با معاویه^۴ و سخنان سلمان پس از سقیفه در باره خلافت^۵ را می‌توان مثال زد.^۶

۲. کتاب‌های ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق)

ابو سعید ابان بن تغلب توفیق حضور در مکتب امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام را داشته است و در سال ۱۴۱ق، از دنیا رفت. از جمله کتاب‌های او می‌توان به تفسیر غریب القرآن، الفضائل و کتاب الصفین اشاره کرد. کتاب الصفین او از طریق سیف بن عمیره روایت شده است.^۷ شیخ کلینی از کتاب الصفین ابان^۸ و الفضائل او نقل‌هایی دارد.^۹

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۹.

۵. همان، ج ۸، ص ۳۳۴ - ۳۴۳.

۶. موارد دیگر: همان، ج ۱، ص ۴۴، ۴۶، ۶۲، در این باره همچنین رک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۱۹ - ۱۲۴.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۰ - ۱۳.

۸. الکافی، ج ۳ ص ۳۳.

۹. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۵۶ - ۱۵۸.

۳. کتاب‌های جابر بن یزید جعفی (م ۱۵۰ق)

جابر از اصحاب صادقین علیهما السلام است که در سال ۱۵۰ق، از دنیا رفت. علاوه بر کتاب تفسیر، کتاب‌های دیگری چون النواذر، الفضائل، الجمل، الصنفین، النهروان، مقتل امیر المومنین علیه السلام و مقتل الحسین علیه السلام دارد. عمرو بن شمر راوی کتاب‌های او است.^{۱۰} شیخ کلینی از کتاب الصنفین جابر،^{۱۱} کتاب مقتل امیر المومنین علیه السلام^{۱۲} و مقتل الحسین علیه السلام^{۱۳} گزارش‌هایی نقل می‌کند.^{۱۴}

۴. کتاب المبتدا و المبعث و المغازی و الوفاء و السقیفه و الرده اثرا بان بن عثمان

ابان بن عثمان احمر بجلی، ابو عبدالله، کوفی و (شاید هم بصری) بود. او مدتی در بصره و مدتی هم در کوفه سکونت داشت و بزرگان آنجا در باب اخبار، اشعار و نسب و تاریخ ایام از او بسیار نقل کرده‌اند.^{۱۵} شیخ طوسی از مصنفات او جز همین یک کتاب را سراغ ندارد و نجاشی کتاب را با وصف کتاب بزرگ و نیکو ستوده است. نسخه‌های مختلفی از این کتاب وجود داشته و راویان متعددی آن را روایات کرده‌اند؛ از جمله نسخه کوفیان که نجاشی و طوسی هر دو آن را نقل کرده‌اند. این نسخه از طریق احمد بن محمد بن ابی نصر و محمد بن سعید بن ابی نصر از ابان روایت شده است، ولی نسخه قمی‌ها که نسبت به نسخه کوفیان ناقص بوده از طریق جعفر بن بشیر، محسن بن احمد و ابن ابی نصر از ابان روایت شده است.^{۱۶} پس از بررسی اسناد روایات تاریخی ابان بن عثمان که بیشتر در روضة الکافی آمده است به نتایج زیر می‌رسیم.

شیخ کلینی با سند حسین بن محمد اشعری، از معلی بن محمد، از حسن بن علی الوشاء، از ابان بن عثمان بیش از ۵۷ روایات نقل می‌کند.^{۱۷} از این میان، بخش قابل

۱۰. رجال النجاشی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۱۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۵۱-۳۶۰.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۱۳. همان، ج ۶، ص ۴۵۲.

۱۴. برای دیدن سایر بازمانده‌های این کتاب‌ها در منابع حدیثی و تاریخی رک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۱۵. الفهرست، طوسی، ص ۵۹، رجال النجاشی، ص ۱۳.

۱۶. الفهرست، طوسی، ص ۵۹ و ۶۰؛ رجال النجاشی، ص ۱۳.

۱۷. ترتیب اسانید کتاب الکافی، ص ۱۶۱-۱۶۷.

توجهی مربوط به مباحث تاریخی است؛ از جمله در *روضه الکافی*.^{۱۸} شیخ کلینی فقط در *روضه الکافی* با سند حمید بن زیاد، از عبید الله بن احمد دهقان، از علی بن حسن طاطری، محمد بن زیاد بیاع سابری، از ابان بیش از ده روایت نقل می‌کند.^{۱۹}

شیخ کلینی با سند علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نصر، از ابان بیش از ده روایت نقل می‌کند.^{۲۰}

شیخ کلینی در *روضه الکافی* از طریق حمید بن زیاد، از حسن بن محمد کندی با یک واسطه، از ابان نزدیک به ده روایت نقل می‌کند.^{۲۱}

او از طریق محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن ابی نصر، از ابان دو روایت نقل می‌کند.^{۲۲}

حمید از حسن بن محمد کندی، از طریق احمد بن حسن میثمی ۱۱۸ روایت از ابان نقل می‌کند.^{۲۳} حسن بن محمد کندی، همان ابو محمد حسن بن محمد بن سماعه کندی صیرفی واقفی (م ۲۶۳ در کوفه) است که حمید بن زیاد کتاب‌های او را نقل می‌کرده است.^{۲۴} معمولاً بین حسن بن محمد بن سماعه و ابان یک نفر واسطه وجود دارد. حسن از طریق جعفر بن سماعه شش روایت و با واسطه ناشناخته - که گاه با عنوان «غیر واحد» و گاه با عنوان «بعض اصحاب» ذکر شده - ۵۷ روایت از ابان نقل می‌کند.^{۲۵}

با دقت در مطالب مذکور می‌توان گفت شیخ کلینی یا کتاب ابان بن عثمان را در اختیار نداشته است و از آن با واسطه کتاب‌های دیگران مانند حسن بن علی الوشاء، حسن بن محمد بن سماعه، ابن ابی نصر یا محمد بن زیاد بیاع السابری نقل کرده است و یا این که بخش‌های مختلف این کتاب از طرق مختلف به او رسیده است و ایشان در هر بخشی از آن کتاب با سند مذکور نقل کرده‌اند. این احتمالی است که با توجه به نقل پشت سرهم مباحث، به خصوص مباحث تاریخی در *روضه الکافی* و تعلیق اسانید به کار رفته

۱۸. رک: *الکافی*، ج ۸ ص ۱۰، ۱۰۳، ۲۳۷، ۲۳۸.

۱۹. همان، ج ۸ ص ۳۳۱-۳۳۲ و ۳۷۶.

۲۰. به عنوان نمونه رک: همان، ج ۸ ص ۲۷۷-۲۷۹ و ۲۹۹-۳۰۱.

۲۱. رک: همان، ج ۸ ص ۸۱، ۸۲ و ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۹۵-۲۹۷، ۳۷۵-۳۷۶.

۲۲. همان، ج ۸ ص ۳۹۱-۳۹۲.

۲۳. ترتیب اسانید کتاب *الکافی*، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲۴. *رجال النجاشی*، ص ۴۰-۴۲.

۲۵. ترتیب اسانید کتاب *الکافی*، ص ۱۷۶-۱۷۷ و ۱۸۰-۱۸۲.

در آن از سوی شیخ کلینی تقویت می‌شود.

این کتاب توسط آقای رسول جعفریان بازبایی و منتشر شده است.^{۲۶}

۵. کتاب‌های ابومحمد جعفری (اواخر ق ۲)

ابو محمد عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام مردی راستگو و مورد اعتماد از راویان صادقین علیهم السلام است. برادرش جعفر نیز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند.^{۲۷} این فرد احتمالاً تا اواخر قرن دوم زنده بوده است.^{۲۸}

کتاب خروج محمد بن عبدالله و مقتله

این کتاب در باره قیام نفس زکیه در سال ۱۴۵ق، است. ابراهیم بن هاشم این کتاب را از طریق پدرش، از بکر بن صالح و او از نویسنده نقل می‌کند.^{۲۹} شیخ کلینی نه صفحه را در *الکافی* به نقل مطالب مربوط به این واقعه اختصاص داده که به نظر می‌رسد تمام یا بخش اعظم کتاب مذکور را نقل کرده است، اما سندی که به این کتاب نقل می‌کند، با آنچه نجاشی آورده متفاوت است. سند شیخ کلینی به این صورت است: بعض اصحابنا، عن محمد بن حسان، عن محمد بن رنجویه، عن عبدالله بن الحکم الارمنی، عن عبدالله بن ابراهیم بن محمد الجعفری.^{۳۰} این سند شباهت زیادی به سند کتاب‌های موسی بن رنجویه ارمنی و عبدالله بن الحکم ارمنی در *رجال النجاشی* دارد.^{۳۱}

کتاب خروج صاحب فخر و مقتله

این کتاب هم در باره قیام حسین بن علی صاحب فخر در سال ۱۶۹ق، است که با همان سند قبلی به دست نجاشی رسیده است.^{۳۲} دو قطعه از این اثر با سند کتاب پیشین در *الکافی* نقل شده است.^{۳۳}

۲۶. رک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۲۷. *رجال النجاشی*، ص ۲۱۶.

۲۸. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۸۸.

۲۹. *رجال النجاشی*، ص ۲۱۶.

۳۰. *الکافی*، ج ۱ ص ۳۵۸ - ۳۶۶.

۳۱. رک: *رجال النجاشی*، ص ۴۰۹ و ۲۲۵؛ *الفهرست*، طوسی، ص ۱۶۷.

۳۲. *رجال النجاشی*، ص ۲۱۶.

۳۳. *الکافی*، ج ۱ ص ۳۶۶ و ۳۶۷؛ همچنین رک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۸۸.

وصیت امام کاظم علیه السلام و جانشینی امام رضا علیه السلام

شیخ کلینی در روایت طولانی را با سند «احمد بن مهران، از محمد بن علی، از ابوالحکم ارمی، از عبدالله بن ابراهیم جعفری، از یزید بن سلیط زیدی» و سند «ابوالحکم ارمی، از عبدالله بن محمد بن عماره الجرمی، از یزید بن سلیط» نقل کرده است.^{۳۴} این گزارش‌ها درباره وصیت امام کاظم علیه السلام درباره جانشینی امام رضا علیه السلام و رویدادهای بین امام رضا علیه السلام و برادرانشان پس از شهادت امام کاظم علیه السلام است. این دو گزارش نسبتاً طولانی مناسبتی با کتاب‌هایی که پیش‌تر از وی نام بردیم ندارد از این رو به احتمال بسیار از سایر کتاب‌های وی است؛ کتاب‌هایی که نجاشی از وجود آنها خبر می‌دهد، اما اشاره‌ای به اسامی آنها نمی‌کند. از این شخص روایت‌های دیگری نیز در الکافی وجود دارد.^{۳۵}

شیخ کلینی ممکن است مطالب این کتاب‌ها را از طریق کتاب‌های موسی بن رنجویه ارمی و عبدالله بن الحکم ارمی نقل کرده باشد و دسترسی مستقیم به این کتاب‌ها نداشته باشد؛ هر چند احتمال دسترسی کلینی با این کتاب‌ها با سندی غیر از سند نجاشی منتفی نیست؛ سندی که احتمالاً در قم و ری معروف بوده است و نه در بغداد و کوفه.

۶. هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق)

هشام بن محمد بن سائب کلبی، مورخ و نسب‌شناسی مشهور و صاحب کتاب‌های بسیاری در زمینه تاریخ و انساب است.^{۳۶} هشام برای یافتن پاسخ سؤالاتش به مسجد مدینه رفت و در آنجا عده‌ای او را نزد عبدالله بن حسن بردند، ولی عبدالله نتوانست پاسخ‌های قانع‌کننده به سؤالات او بدهد و پس از آن به سمت امام صادق علیه السلام رفت و به تشیع گرایش پیدا کرد.^{۳۷} ذهبی او را رافضی می‌داند. او در سال ۲۰۴ یا ۲۰۶ از دنیا رفت.^{۳۸} شیخ کلینی جریان مربوط به عقیقه پیامبر را از او نقل می‌کند.^{۳۹}

۳۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۶ و ۳۱۶-۳۱۹.

۳۵. رک: همان، ج ۱، ۳۸۷-۳۸۸؛ ج ۲، ص ۵۳۲؛ ج ۶، ص ۳۵۹-۳۶۰. همچنین رک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۴۳۴-۴۳۵.

۳۷. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۵۱.

۳۸. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۴۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۴۶.

۳۹. الکافی، ج ۲، ص ۳۴.

۷. کتاب‌های محمد بن سنان (م ۲۲۰ق)

محمد بن سنان زاهری (م ۲۲۰ق) از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند و مسائلی از ایشان پرسیده و ثبت کرده که بین اصحاب معروف بوده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به الطرائف، الاظله، المکاسب، الحج، الصيد والذبايح، الشراء والبيع، الوصية والنوادر اشاره کرد.^{۴۰} روایات زیادی از وی در الکافی به چشم می‌خورد؛ به خصوص بسیاری از روایات کتاب‌های جابر جعفی از طریق وی نقل شده است.^{۴۱}

مهم‌ترین نقل‌های تاریخی از ابن سنان موارد مربوط به تاریخ تولد و وفات امامان علیهم السلام است. شیخ کلینی در اول هر باب از ابواب التاريخ، تاریخ تولد و وفات امامان را ذکر کرده است و پس از آن این تاریخ‌ها را با ذکر احادیثی مستند می‌کند. در اول باب مربوط به امام جواد علیه السلام تاریخ وفات امام آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ ثبت شده است، ولی در گزارشی که با سند نقل می‌کند، ذی الحجه سال ۲۲۰ ثبت شده است. در ابواب مربوط به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام و امامان پس از امام جواد علیه السلام هیچ روایتی برای تاریخ تولد، وفات و سن امامان ذکر نشده است و شیخ کلینی بدون استناد به روایت به ذکر تاریخ در اول هر باب اکتفا کرده است.

تاریخ مربوط به امام حسن علیه السلام تا امام کاظم علیه السلام با سند زیر ثبت شده است: عبدالله بن جعفر و سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از حسین بن سعید، از محمد بن سنان، از ابن مسکان، از ابو بصیر. ابو بصیر تاریخ شهادت امام حسن تا امام باقر علیه السلام را به نقل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و تاریخ شهادت امام صادق و امام کاظم علیه السلام را خودش گزارش می‌کند.^{۴۲} محمد بن سنان - که این روایات را نقل کرده - تاریخ شهادت امام رضا و امام جواد علیه السلام را خودش نقل کرده است و سند مذکور از شیخ کلینی تا ابن سنان می‌رسد. ابن سنان در همان سالی که امام جواد علیه السلام از دنیا رفته (سال ۲۲۰ق) درگذشته است. از این رو، تاریخ مربوط به امامان بعدی را در کتاب هایش درج نکرده و شیخ کلینی هم این موارد را نقل نکرده است. به نظر می‌رسد منبع شیخ کلینی در این موارد کتاب ابن سنان بوده است. البته تاریخ مربوط به حضرت زهرا علیها السلام در الکافی از طریق دیگر غیر از طریق ابن سنان ذکر شده و از آنجا که به اشتباه در باب مربوط به

۴۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۸.

۴۱. محمد بن سنان از منخل از جابر، رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۲ - ۴۳۶ برخی روایات تفسیر جابر.

۴۲. همان، ج ۱، ص ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۶.

حضرت علی علیه السلام وارد شده است، مرحوم غفاری بر این باور است که این مورد جزو حواشی بوده که در نسخه برداری های بعدی وارد متن *الکافی* شده است.^{۴۳}

۸. کتاب های نصر بن مزاحم منقروی (م ۲۱۲ق)

نصر بن مزاحم منقروی کوفی از شیعیانی بود که بر او به خاطر نقل از ضعفا ایراد گرفته اند، اما او را از نظر مذهبی و روایی ستوده اند و کتاب هایش نیکو شمرده شده است. از جمله کتاب های او می توان به کتاب *الجمال*، کتاب *الصفین*، کتاب *النهران*، کتاب *الغارات*، کتاب *المناقب*، کتاب *مقتل الحسین علیه السلام* و کتاب *اخبار محمد بن ابراهیم و ابی السرایا* اشاره کرد.^{۴۴} کتاب *الغارات* او چاپ شده و مشهور است.

شیخ کلینی داستان ازدواج امام حسین علیه السلام و شهربانو و وساطت امام علی علیه السلام در باره دختران یزدگرد را با واسطه ابراهیم بن اسحاق احمری از نصر بن مزاحم و او هم با سند مشهور کتاب های جابر (عمرو بن شمر از جابر) از جابر بن یزید جعفی نقل می کند.^{۴۵} گزارش دیگری از جنگ نهران با واسطه محمد بن علی - که به احتمال زیاد همان ابو سمینه است - از نصر بن مزاحم نقل شده است.^{۴۶} نجاشی در طریق قمی خود به کتاب های نصر بن مزاحم نام ابو سمینه را ذکر می کند.^{۴۷} نقلیات شیخ کلینی حتی در ابواب و موضوعات تاریخی کتاب *الکافی* از این مورخ مشهور اندک است.

۹. کتاب های ابواسحاق احمری نهاوندی (زنده تا ۲۶۹ق)

ابو اسحاق، ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی در امر حدیث ضعیف بود.^{۴۸} او علاوه بر برخی تألیفات فقهی - حدیثی کتاب هایی با نام *مقتل الحسین علیه السلام*، کتاب *نفی ابی ذر*، کتاب *الغیبه* و کتاب *النوادر* داشته است. وی در سال ۲۶۹ق، زنده بوده است.^{۴۹} شیخ طوسی کتاب های او را با وصف «قریبه من السداد» تأیید ضمنی می کند. کلینی با یک واسطه از او نقل می کند. این واسطه معمولاً «عدة من اصحابنا» علی بن محمد بن بنداره

۴۳. همان، ج ۱، ص ۴۵۷، پانوش ۳.

۴۴. رجال النجاشی، ص ۴۲۷ - ۴۲۸.

۴۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۶ - ۴۶۷.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴۷. رجال النجاشی، ص ۴۲۸.

۴۸. همان، ص ۱۹، الفهرست، طوسی، ص ۳۹.

۴۹. رجال النجاشی، ص ۱۹، الفهرست، طوسی، ص ۳۹.

احمد بن محمد، و یا محمد بن یحیی است. به احتمال زیاد، روایتی که از امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا نقل شده ^{۵۰} و روایت مربوط به مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام که شامل نص بر امام حسن علیه السلام و سفارش ایشان در باره ابن ملجم است، ^{۵۱} از کتاب مقتل الحسین علیه السلام بوده است. از دیگر گزارش‌های تاریخی وی می‌توان به داستان ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد سوم ^{۵۲} - که احتمالاً از همان کتاب مقتل الحسین علیه السلام بوده - اشاره کرد. روایتی در باره قضاوت‌های حضرت علیه السلام، ^{۵۳} سیره امام علی علیه السلام در باره غسل روز جمعه، ^{۵۴} احضار امام صادق علیه السلام توسط منصور دوانیقی، ^{۵۵} ماجرای ورود ابن قیس ماصر بر امام صادق علیه السلام ^{۵۶} درخواست سدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام برای قیام مسلحانه و پاسخ جالب ایشان ^{۵۷} نفوذ جاسوس به جمع اصحاب امام صادق علیه السلام در حجر ^{۵۸} مراجعه یکی از دفتر داران بنی امیه به امام و توبه او ^{۵۹} و شیوه وضوی امام رضا علیه السلام اشاره کرد.

به نظر می‌رسد یکی از منابع احمری کتاب‌های عبدالله بن حماد انصاری بوده است. ^{۶۰} نجاشی نام احمری را در طریق خود به کتاب‌های عبدالله بن حماد انصاری ذکر کرده است و باید او را از راویان کتاب‌های عبدالله به شمار آورد. ^{۶۱} از دیگر منابع وی می‌توان به کتاب‌های عبد الله بن سلیمان و پدرش سلیمان بن عبد الله دیلمی - که هر دو تضعیف شده‌اند - اشاره کرد. ^{۶۲} او احتمالاً با واسطه کتاب‌های نصر بن مزاحم منقری از کتاب‌های جابر جعفی نیز نقل می‌کند. ^{۶۳}

۵۰. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۵۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۵۲. همان، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۵۳. همان، ج ۷، ص ۴۲۴.

۵۴. همان، ج ۳، ص ۴۲.

۵۵. همان، ج ۲، ص ۵۶۳.

۵۶. همان، ج ۳، ص ۱۶۳.

۵۷. همان، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۵۸. همان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۵۹. همان، ج ۵، ص ۱۰۶.

۶۰. همان، ج ۱، ص ۲۶۰، ۳۹۸، ج ۲، ص ۲۴۲ و ۲۴۳، ج ۳، ص ۴۲، ج ۵، ص ۱۰۶.

۶۱. رجال النجاشی، ص ۲۱۸.

۶۲. همان، ص ۱۸۲ و ۳۶۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۱ و ج ۳، ص ۱۶۳.

۶۳. همان، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۱۰. کتاب‌های ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ق)

ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید کوفی (م ۲۸۳ق) از زیدیانی بود که به امامیه پیوست. پس از نگارش کتاب *المعرفة* - که در آن مناقب و مثالب را ذکر کرده بود - کوفیان از او خواستند این موارد را نقل نکنند و او به اصفهان - که از بقیه جاها از تشیع دورتر بود - رفت و آنجا کتابش را منتشر کرد. برخی از قمی‌ها مانند احمد بن محمد بن خالد برقی از او خواستند که به قم برود، ولی قبول نکرد. او کتاب‌های تاریخی متعددی درباره تاریخ پیامبر و حوادث پس از ایشان، تاریخ خلفا، جنگ‌های امیرمؤمنان علیه السلام و مقتل امامان، اخبار مربوط به قیام‌های شیعیان علیه خلفا و کتاب‌هایی درباره امامت و برخی کتب فقهی و حدیثی دیگر دارد.^{۶۴} بخش قابل توجهی از کتاب *المعرفة* در تقریب *المعارف* ابوالصلاح حلبی ذکر شده است.^{۶۵}

شیخ کلینی با دو واسطه روایاتی را از وی نقل می‌کند؛ از جمله روایات مربوط به نحوه شیر خوردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کودکی،^{۶۶} اعطای شرایع انبیای قبلی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخی قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام.^{۶۸} احمد بن محمد بن خالد برقی روایاتی را از او نقل می‌کند و این نشان می‌دهد که وی را باید در زمره استادان برقی برشمرد.^{۶۹} در مجموع، روایات ثقفی در *الکافی* اندک است. شاید یکی از دلایل آن زندگی و وفات ثقفی در اصفهان و دوری او از مهم‌ترین مراکز نشر و فراگیری حدیث شیعه در آن دوره یعنی قم، بغداد و کوفه باشد.

۱۱. کتاب اخبار السید اثر اسحاق بن محمد نخعی

درباره ابویعقوب احمر، اسحاق بن محمد نخعی عباراتی مانند: معدن التخلیط، فاسد المذهب، کذاب فی الروایه، وضاع للحديث، لا یلتفت الی ما رواه ولا یرتفع بحديثه به کار رفته است و کتاب‌های او به تخلیط منسوب شده است.^{۷۰} این شخص همان

۶۴. رجال النجاشی، ص ۱۶-۱۸.

۶۵. «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده»، ص ۲۴۷؛ تقریب المعارف، ص ۵۱.

۶۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۸.

۶۷. همان، ج ۲، ص ۱۷.

۶۸. همان، ج ۷، ص ۲۶۲ و ۴۲۸.

۶۹. همان، ج ۲، ص ۱۷، ۱۱۹، ۱۴۴؛ ج ۵، ص ۷۱؛ ج ۶، ص ۵۳۲.

۷۰. رجال النجاشی، ص ۷۳؛ رجال ابن الغضائری، ص ۴۱.

اسحاق بن محمد بصری است که شیخ طوسی نام او را در کتاب رجالش در زمره اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام ذکر کرده است.^{۷۱} کشی با وجود این که او را فردی غالی و ضعیف می‌داند، در موارد بسیاری از او نقل کرده است. عیاشی نقل می‌کند:

برای این که از احادیث او چیزی بنویسم، به بغداد رفتم و از او خواستم کتابی به من دهد تا از آن نسخه برداری کنم. او کتاب‌هایی با مضمون تفویض از کتاب‌های مفضل بن عمر به من نشان داد و من رغبتی به آنها نشان ندادم.^{۷۲}

نجاشی او را صاحب کتاب اخبار السید و مجالس هشام می‌داند.^{۷۳}

شیخ کلینی با یک واسطه از این شخص نقل قول می‌کند. این واسطه معمولاً علی بن محمد یا محمد بن ابی عبدالله است. سند روایات اسحاق بن محمد در الکافی تقریباً در تمامی موارد به جز یک مورد^{۷۴} یکسان است که نشان می‌دهد این کتاب از طریق این دو نفر به دست شیخ کلینی رسیده است.

تقریباً تمام روایات این شخص و این کتاب^{۷۵} در باره امام حسن عسکری علیه السلام است و این، با توجه به فهرست کتب وی، ما را بر این می‌دارد که بگوییم این روایات مربوط به کتاب اخبار السید او است و منظور از سید، امام عسکری علیه السلام است. معمولاً در منابع رجالی منظور از سید در کتاب‌هایی که با نام اخبار السید نوشته شده‌اند، سید حمیری است و بر این اساس، برخی این کتاب را نیز از کتاب‌هایی بر شمرده‌اند که در باره سید حمیری تألیف شده است.^{۷۶} اما از آنجا که در فهرست کتب وی کتاب دیگری که بتوان گفت این روایت از آن کتاب گرفته شده است، وجود ندارد، این احتمال هم تقویت می‌شود و بر این اساس، برخی این نظر را ارائه کرده‌اند که منظور از السید امام عسکری علیه السلام است.^{۷۷} البته این احتمال هم وجود دارد که وی کتاب دیگری داشته که در آن روایاتی در باره امام عسکری علیه السلام داشته است و این کتاب در اختیار علان کلینی قرار گرفته است و روایات آن

۷۱. الرجال، طوسی، ص ۳۸۴ و ۳۹۵.

۷۲. رک: اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۳ و ۲۸۶ و ۴۱۵؛ ج ۲، ص ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۳ و...؛ معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۲۳۲ - ۲۳۸.

۷۳. رجال النجاشی، ص ۷۳.

۷۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۷۵. جز دو مورد همان، ج ۳، ص ۳۹۲ و ج ۵، ص ۹۴.

۷۶. در باره فهرست این کتاب‌ها رک: اخبار السید حمیری، مقدمه، ص ۱۴۴ - ۱۴۷.

۷۷. «منابع الکافی»، ص ۳۳.

در کتاب اخبار القائم علیه السلام آمده است و چون این کتاب مشهور نبوده است، در اختیار فهرست نگارانی چون نجاشی و طوسی قرار نگرفته است و آنان نامی از آن نبرده‌اند. کلینی در باب الاشارة والنص علی ابی محمد علیه السلام چهار روایت از این کتاب نقل می‌کند.^{۷۸} در باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام نیز سیزده روایت از این کتاب نقل می‌کند.^{۷۹} در روایت دیگر در فروع الکافی از این کتاب نقل شده که علت وجوب روزه و نصف بودن سهم الارث زن، از امام عسکری علیه السلام سؤال شده است.^{۸۰} سند این روایات به وضوح بیان‌گر این است که این دو روایت هم از همان کتاب گرفته شده است. تقریباً تمامی روایات این کتاب با یک واسطه از امام صادر شده است؛ حتی روایاتی که جنبه تاریخی و توصیفی داشته است نیز با یک واسطه در این کتاب آمده است. از این رو، این کتاب را باید از منابع مهم در زمینه شناخت امام عسکری علیه السلام دانست.

۱۲. کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی

نجاشی ابو عبدالله جعفر بن محمد بن مالک فزاری کوفی را «فاسد المذهب و الروایه» می‌داند و از این که ابن همام و ابو غالب زراری از او روایت نقل کرده‌اند، ابراز تعجب می‌کند. ابن غضایری او را واضع حدیث می‌دانست و می‌گفت که او از افراد ناشناخته و مجهول روایت می‌کند. او صاحب کتاب‌های غرر الاخبار، اخبار الاثمه و موالیدهم علیه السلام، کتاب الفتن و الملاحم است.^{۸۱} شیخ طوسی هم او را صاحب کتاب النوادر می‌داند و سندش را به آن ذکر می‌کند.^{۸۲} وی راوی کتاب‌های بسیاری از اصحاب صادقین علیه السلام و دیگران است.^{۸۳} ابن ولید روایات او را از کتاب نوادر الحکمه استثنا کرده است.^{۸۴} او اسم جعفر بن محمد بن مالک و جعفر بن محمد کوفی را ذکر کرده است و چنین به نظر می‌رسد که این دو اسم مربوط به دو نفر است، اما با تحقیق بیشتر در روایات و منابع رجالی متوجه می‌شویم که این دو اسم مربوط به یک نفر است.^{۸۵}

۷۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸، ح ۹-۱۱.

۷۹. همان، ج ۱، ص ۵۰۸-۵۱۲، ح ۹-۲۲.

۸۰. همان، ج ۴، ص ۱۸۱ و ج ۷، ص ۸۵.

۸۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۲.

۸۲. الفهرست، طوسی، ص ۹۲.

۸۳. رجال النجاشی، ص ۸۱-۱۲۹، ۲۰۰-۲۳۰، ۳۱۶-۳۰۲، ۳۳۰.

۸۴. الفهرست، طوسی، ص ۲۲۱.

۸۵. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۷۸؛ تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ج ۴، ص ۴۲۲-۴۶۳.

روایات جعفر بن محمد کوفی در کتاب الکافی

پس از بررسی روایات وی در کتاب الکافی به این نتیجه می‌رسیم که شیخ کلینی گاه با یک واسطه و در موارد کمتری با دو واسطه از او نقل می‌کند. بیشتر منقولات او در الکافی از طریق علی بن محمد و احتمالاً از طریق کتاب او است. علی بن محمد رازی کلینی، صاحب کتاب اخبار القائم بوده است و شیخ کلینی از این کتاب نقل کرده است.^{۸۶} برخی از منقولات کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی، به خصوص آن دسته که مربوط به امام عسکری و امام زمان علیهما السلام بوده است، توسط علی بن محمد رازی در کتاب اخبار القائم نقل شده است و از این طریق وارد کتاب الکافی شده است.^{۸۷}

او از جمله راویان نامه معروف امام صادق علیه السلام به شیعیان است که در روضه الکافی ذکر شده است.^{۸۸} و غیر از موارد مذکور روایات اندکی را هم محمد بن یحیی و محمد بن حسن از او در باره علم امام و غیبت نقل کرده‌اند.^{۸۹} در مجلدات مربوط به فروع الکافی نامی از وی به میان نیامده است.

۱۳. کتاب‌های سلمه بن خطاب

سلمه بن خطاب از اهالی اطراف ری و در امر حدیث ضعیف است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به مقتل الحسین علیه السلام و کتاب وفاة النبی صلی الله علیه و آله اشاره کرد. کتاب‌های او توسط احمد بن ادریس، سعد، حمیری و صفار روایت شده است.^{۹۰} شیخ کلینی نزدیک به پنجاه روایت از وی نقل می‌کند.^{۹۱} چهار روایت پشت سر هم در باره وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با سند محمد بن یحیی از سلمه بن خطاب احتمالاً از کتاب وفاة النبی صلی الله علیه و آله او بوده است.^{۹۲} سلمه نیز یکی از آنها را از کتاب سلیمان بن سماعه ضبی^{۹۳} و دو مورد را از کتاب سیف بن عمیره نخعی کوفی^{۹۴} اخذ کرده است.

۸۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۸۷. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۵، ۳۲۶، ح ۳ و ۴، ص ۳۲۲-۳۲۸.

۸۸. همان، ج ۸، ص ۲.

۸۹. همان، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۳۳۵.

۹۰. رجال النجاشی، ص ۱۸۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴۰.

۹۱. ترتیب اسانید کتاب الکافی، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۹۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲، ح ۵-۸.

۹۳. رجال النجاشی، ص ۱۸۴.

۹۴. همان، ص ۱۸۹.

سلمه روایتی را هم در باره زیارت قبر امام حسین علیه السلام نقل می کند که احتمالاً از کتاب *مقتل الحسين علیه السلام* او برگرفته شده است.^{۹۵}

۱۴. حسین بن حسن حسینی

ابو عبدالله الحسین بن الحسن، الحسینی الاسود علوی هاشمی، فردی فاضل از اهالی ری بود و در زمره مشایخ کلینی به شمار می رود.^{۹۶} حسین علی محفوظ در مقدمه تحقیق کتاب *الکافی* دو نفر را با نام های الحسین بن الحسن، یکی ملقب به الهاشمی، العلوی الحسینی و دیگری با لقب الحسینی الاسود، در زمره مشایخ کلینی نام برده است؛ ولی آیه الله خویی این دو نام را مربوط به یک نفر می داند.^{۹۷}

در منابع رجالی متقدم، غیر از آنچه نقل شد، توضیحی در باره وی نیامده است. از این رو، احتمال این که وی صاحب کتابی بوده باشد که فهرست نگاران بزرگی چون نجاشی و شیخ طوسی به آن دست نیافته باشند، ضعیف است. شیخ کلینی در چند مورد از او نقل می کند؛ یکی، دو مورد از این نقل ها با سند و به صورت روایت است.^{۹۸} این روایات احتمالاً از طریق کتابی که او راوی آن و نه مؤلف آن بوده، به *الکافی* راه یافته است؛ اما شیخ کلینی برخی روایات و گزارش ها را مستند به این شخص می کند، نه روایتی که از او نقل شده باشد؛ یعنی برخی نقلیات مستقیم او در کتاب *الکافی* انعکاس یافته است و برخی نقلیات او هم با سند های مرسل با عباراتی مانند «رفعه» آمده است.^{۹۹} برخی از گزارش های او هم از کتاب های ابراهیم بن اسحاق نخعی است.^{۱۰۰}

۱۵. اخبار القائم علیه السلام

ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی، معروف به علان، فردی موثق و مورد اعتماد و دایی شیخ کلینی است.^{۱۰۱} وی کتابی در باره امام زمان علیه السلام با عنوان *اخبار القائم علیه السلام* نگاشته است. با این که این کتاب در دست شیخ کلینی بوده، ولی در طریق

۹۵. *الکافی*، ج ۴، ص ۵۹۸.

۹۶. *الرجال*، طوسی، باب من لم یرو، ص ۴۲۰.

۹۷. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۵ مقدمه؛ *معجم رجال الحدیث*، ج ۶، ص ۲۳۶.

۹۸. *الکافی*، ج ۱، ص ۴۶۶؛ ج ۵، ص ۱۰۹ و ۳۴۵.

۹۹. همان، ج ۱، ص ۲۹۹، ۵۰۲، ۵۲۵.

۱۰۰. همان، ج ۱، ص ۴۶۶؛ ج ۵، ص ۳۴۵.

۱۰۱. *رجال النجاشی*، ص ۲۶۰-۲۶۱، ۳۷۷.

نجاشی به این کتاب نام شیخ کلینی به چشم نمی‌خورد. شاید از این رو که این کتاب را علاوه بر شیخ کلینی شاگردش ابن قولویه نیز روایت کرده است و نجاشی آن را برای کوتاه‌تر شدن سند به کتاب از ابن قولویه نقل کرده است. شاید شیخ کلینی با وجود این که این کتاب را در اختیار داشته، ولی راوی آن نبوده و این کتاب را روایت نکرده است.^{۱۰۲}

شیخ کلینی تقریباً تمام روایات برخی ابواب تاریخی مربوط به امام زمان و پدرشان علیه السلام را (به جز یکی، دو مورد) از این کتاب نقل می‌کند؛ ابوابی مانند باب الاشارة والنص علی ابی محمد علیه السلام، باب الاشارة والنص الی صاحب الدار علیه السلام، باب فی تسمیه من رأه علیه السلام، باب فی النهی عن الاسم، باب نادر فی حال الغیبه. در ابواب دیگر مربوط به غیبت هم این نام تکرار می‌شود؛ مانند باب فی الغیبه، باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام، باب مولد الصاحب علیه السلام.^{۱۰۳}

با توجه به اسناد روایات علی بن محمد در الکافی می‌توان با برخی از منابع این کتاب آشنا شد. به نظر می‌رسد علان کلینی - که در عصر غیبت صغرا می‌زیسته - علاوه بر اخبار و روایات پراکنده که شنیده و جمع‌آوری کرده، منابع مدونی هم در اختیار داشته است که از آن منابع برای تألیف کتابش استفاده کرده است.

کتاب اخبار السید اسحاق بن محمد نخعی از منابع مهم این کتاب بوده است که بیشتر در باره اخبار مربوط به امام حسن عسکری علیه السلام است.^{۱۰۴} کتاب‌های جعفر بن محمد کوفی را هم باید از دیگر منابع کتاب اخبار القائم علیه السلام برشمرد.^{۱۰۵}

علان در کتاب خود جریان مشاهده حضرت ولی عصر علیه السلام را از محمد بن اسماعیل جعفری نقل می‌کند^{۱۰۶} و روایاتی متعددی هم با واسطه از او نقل می‌کند.^{۱۰۷} با کنار هم نهادن اسناد روایات مشخص می‌شود که محمد بن اسماعیل جعفری همان محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام است^{۱۰۸} که نجاشی کتابی را به او منسوب می‌کند.^{۱۰۹}

۱۰۲. همان، ص ۲۶۱.

۱۰۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۵ - ۳۴۳ و ۵۰۳ - ۵۲۵.

۱۰۴. رک: همان، ج ۱، ص ۳۲۷ - ۳۴۷ و ۵۰۸ - ۵۱۲.

۱۰۵. همان، ج ۱، ص ۳۲۵ - ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۲.

۱۰۶. همان، ج ۱، ص ۳۳۰.

۱۰۷. همان، ج ۱، ص ۳۳۰، ۵۰۸، ۵۰۶، ۵۱۲، ۳۳۵، ۳۴۶.

۱۰۸. همان، ج ۱، ص ۳۳۰، ۳۴۶، ۵۰۶، ۵۱۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۰۱.

۱۰۹. رجال النجاشی، ص ۳۷۰.

یکی از مزایای کتاب اخبار القائم علیه السلام این است که اخبار و روایات مربوط به امام عسکری علیه السلام و حضرت امام زمان علیه السلام بدون واسطه در آن نقل شده و از این رو، یکی از منابع مهم در این عرصه است.

استفاده کتاب‌های تاریخی نسل‌های بعد از الکافی

نقلیات شیخ مفید در الارشاد

شیخ مفید در ابواب مربوط به امامان قبل از امام صادق علیه السلام استفاده چندانی از کتاب الکافی نمی‌کند، اما در این باب مناظره امام صادق علیه السلام با مرد شامی^{۱۱۰} و مناظره امام با این ابی العوجاء^{۱۱۱} را از شیخ کلینی نقل می‌کند.^{۱۱۲} در باب دلایل امام کاظم علیه السلام ماجرای مراجعه مؤمن الطاق به محضر امام کاظم و اطلاع از امامت ایشان و نفی امامت عبد الله افطح و معجزه امام کاظم علیه السلام و حرکت درخت به دستور ایشان را از الکافی نقل می‌کند.^{۱۱۳}

شیخ مفید همه نصوص دال بر امامت امام رضا علیه السلام را از باب مربوط در الکافی نقل کرده و تنها تفاوت آن، رعایت نکردن ترتیب روایات در الکافی است.^{۱۱۴} در باب اخبار و دلایل امام رضا علیه السلام هم بیشتر روایات این باب را از الکافی نقل می‌کند.^{۱۱۵} تاریخ ولادت و شهادت امام رضا علیه السلام و گزارش کشته شدن فضل در حمام هم از الکافی برگرفته شده است.^{۱۱۶}

ابواب مربوط به امام جواد و امام هادی و امام عسکری و امام زمان علیه السلام در الارشاد تقریباً همان ابواب کتاب الکافی است و بیشتر منقولات آن از کتاب الکافی آمده است؛ در مواردی هم تعدادی از این احادیث ذکر نشده است.^{۱۱۷} البته در باره ظهور امام زمان علیه السلام و

۱۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۳.

۱۱۱. همان، ج ۴، ص ۱۹۷ بخشی از این جریان در الکافی آمده است و شیخ مفید با این که سند خود را به شیخ کلینی می‌رساند، ولی مواردی را فراتر از آنچه در الکافی است، نقل می‌کند.

۱۱۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۴-۲۰۶.

۱۱۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۵۱-۳۵۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۲۴ این دو روایت به همان ترتیبی که در الکافی آمده‌اند، ذکر شده‌اند.

۱۱۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۵۳.

۱۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶-۴۹۱ بخشی از حدیث ۹ ذکر نشده است؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۴.

۱۱۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۹۰-۴۹۱؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۱۱۷. الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷-۳۵۰ مقایسه شود با الکافی، ج ۱، ص ۴۹۷-۵۲۵.

حکومت ایشان ابوابی در الارشاد وجود دارد که چون نظیر آنها در الکافی نبوده است، منقولات شیخ کلینی در آن ابواب تقریباً به چشم نمی‌خورد.

نقلیات شیخ صدوق از الکافی در کمال‌الدین و تمام النعمه

نقلیات شیخ صدوق در کمال‌الدین از شیخ کلینی بیشتر مربوط به روایاتی است که برگرفته از کتاب اخبار القائم‌ین علان کلینی رازی است.

شیخ کلینی در ابتدای «باب مولد الصاحب علیه السلام» تولد امام زمان را در عبارتی بدون سند مربوط به سال ۲۵۵ می‌داند و بلافاصله پس از آن روایتی نقل می‌کنند که بر اساس آن تولد امام در سال ۲۶۰ ق، واقع شده است.

شیخ صدوق با سند خود از شیخ کلینی از علان کلینی تاریخ ۲۵۵ را نقل می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت عبارت اول شیخ کلینی - که بدون منبع و سند نقل شد - از کتاب اخبار القائم‌ین علیه السلام علان بوده است که شیخ کلینی سند عبارت را نقل نکرده است.^{۱۱۸} شیخ صدوق، با سند خود، از شیخ کلینی، از علان رازی روایت کرده که چون همسر امام عسکری علیه السلام حامله شد، امام به ایشان فرمودند تو فرزند پسری را حامله می‌شوی که محمد نام دارد و قائم بعد از من است. این روایت با این که از طریق شیخ کلینی نقل شده، اما در الکافی نیامده است.^{۱۱۹}

شیخ صدوق با سند خود از شیخ کلینی از علان رازی روایت طولانی نقل کرده که بر اساس آن، امام زمان هنگام شهادت امام عسکری دو ساله بوده‌اند. شیخ کلینی فقط بخشی از روایت را نقل کرده که بر اساس آن نشان می‌دهد شخصی امام زمان را مشاهده کرده است و بقیه حدیث را نیاورده است.^{۱۲۰}

مقایسه این روایات نشان می‌دهد که شیخ صدوق روایات مربوط به امام زمان را - که از طریق شیخ کلینی از علان رازی نقل می‌کند - از کتاب اخبار القائم‌ین علان نقل می‌کند و نه از کتاب الکافی و شیخ کلینی در این سند فقط شیخ اجازه است. مؤید دیگر این ادعا این است که شیخ صدوق چند مورد از توقیعات امام زمان علیه السلام را از علان رازی نقل می‌کند که

۱۱۸. کمال‌الدین، ص ۴۳۰ مقایسه شود با الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۱۱۹. کمال‌الدین، ص ۴۰۸.

۱۲۰. همان، ص ۴۳۶ مقایسه شود با الکافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

در *الکافی* اثری از آن نیست.^{۱۲۱}

نکته دیگر، این که شیخ صدوق روایتی را با سه سند نقل می‌کند که علان کلینی همراه با جمعی سی نفره در مسجد الحرام امام زمان را مشاهده می‌کنند و جالب این است که چنین رویدادی در زمره افتخارات علان کلینی و اتفاقاً کاملاً هم خوان با کتاب او بوده و باید در کتاب علان ذکر می‌شد و ذکر نشده است؛ چون نه شیخ کلینی و نه صدوق - که در صدد معرفی افرادی بوده‌اند که امام زمان را مشاهده کرده‌اند و نام این افراد را از کتاب علان نقل کرده‌اند - چنین چیزی را نقل نکرده‌اند و شیخ صدوق هم این روایت را با سه سند نقل می‌کند که در هیچ کدام نام علان به چشم نمی‌خورد.^{۱۲۲}

بهره‌گیری کفایه الاثرخزاز قمی از الکافی

کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر تألیف علی بن محمد خزاز قمی رازی (قرن چهارم) است و متضمن نصوصی بر امامت امامان دوازده گانه است.

خزاز روایاتی از شیخ کلینی نقل می‌کند که در *الکافی* نیامده است؛^{۱۲۳} از جمله روایتی که در آن امام عسکری بشارت تولد حضرت مهدی عجل الله فرجه را به همسرشان می‌دهند.^{۱۲۴} این روایات هم نشان می‌دهد که استفاده خزاز از شیخ کلینی به صورت دریافت اجازه نقل کتاب‌ها بوده است و نه نقل از کتاب *الکافی* که این اجازه هم معمولاً با واسطه یک نفر مانند محمد بن عبد الله شیبانی یا محمد بن حسن بزوفری است.

الکافی و الغیبه طوسی

روایات کتاب *الغیبه طوسی* از شیخ کلینی را باید به سه دسته تقسیم کرد:

الف) روایت از کتاب الکافی

در این موارد روایت‌هایی از شیخ کلینی نقل شده که عین همان روایت‌ها و یا با اختلافات اندک - که احتمالاً از اختلاف نسخه‌ها ناشی می‌شود - در کتاب *الکافی* موجود است؛ مانند روایاتی در باب اثنی عشر از *الکافی*.^{۱۲۵}

۱۲۱. *کمال‌الدین*، ص ۴۸۳ - ۴۹۷، ح ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸.

۱۲۲. همان، ص ۴۷۰.

۱۲۳. *کفایة الاثر*، ص ۶۲، ۲۶۶، ۲۹۳، ۳۰۱.

۱۲۴. همان، ص ۲۹۳.

۱۲۵. *الغیبه*، شیخ طوسی، ص ۶۴ و ۱۳۷ - ۱۵۱ مقایسه شود با *الکافی*، ج ۱، ص ۵۲۹ - ۵۳۳؛ یا *الغیبه*، طوسی، ص ۲۸۲



ب) روایت از کتاب اخبار القائم علیه السلام

شیخ مفید و شیخ صدوق روایت‌های علان را در الکافی نقل کرده‌اند، ولی شیخ طوسی روایت‌های خیلی کمی از علان را از الکافی نقل کرده است^{۱۲۶} و بیشتر کوشیده است که این روایات را به طور مستقیم از کتاب علان نقل کند و نه با واسطه الکافی؛ به عنوان نمونه می‌توان از روایاتی نام برد که از کتاب علان نقل شده‌اند و نام شیخ کلینی در سند این روایات نیامده است. به عبارت دیگر، شیخ طوسی این کتاب را با طریقی غیر از شیخ کلینی نقل کرده است؛ مانند سعد بن عبدالله^{۱۲۷} یا عده‌ای از اصحاب^{۱۲۸} در مواردی بسیاری هم شیخ به طور مستقیم از علان روایت را نقل می‌کند.^{۱۲۹} از این رو، باید این کتاب در دست شیخ طوسی باشد، ولی متأسفانه طریق شیخ به این کتاب نه در الفهرست شیخ و نه در مشیخه تهذیبین یافت نشد.

ج) روایات از سایر کتاب‌های کلینی

شیخ طوسی روایاتی را از شیخ کلینی نقل می‌کند که در کتاب الکافی نیامده است و این روایات یا از کتاب‌های دیگری است که شیخ کلینی آنها را برای دیگران اجازه داده‌اند و یا از سایر تألیفات شیخ کلینی است که امروزه موجود نیستند؛ به عنوان نمونه توقیعی است که به نقل از شیخ کلینی نقل شده است که احتمالاً از کتاب رسائل الائمه او بوده است که به دست ما نرسیده است.^{۱۳۰}

غیبت نعمانی و استفاده از الکافی

محمد بن ابراهیم نعمانی (م حدود ۳۶۰ ق) از شاگردان و کاتبان شیخ کلینی است و در کتاب الغیبه خود از الکافی استفاده بسیاری کرده است. نقلیات وی از کلینی منحصر در استفاده از کتاب الکافی است.^{۱۳۱}

۲۸۴- مقایسه شود با الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸- ۵۲۲.

۱۲۶. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۴ مقایسه شود با الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵.

۱۲۷. الغیبه، طوسی، ص ۲۰۰.

۱۲۸. همان، ص ۲۹۸.

۱۲۹. همان، ص ۲۴۴- ۲۴۵ ح ۲۱۱ و ۲۱۲، ص ۲۴۶ ح ۲۱۵.

۱۳۰. رک: همان، ص ۴۱۵، ۳۵۳، ۲۹۰- ۲۹۳، ۳۵۱.

۱۳۱. به عنوان نمونه: الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۷۲، ۹۵- ۹۷ را به ترتیب مقایسه کنید با الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸،

۳۴۰، ۳۴۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۲۹.

تقریباً تمام نقلیات نعمانی از علی بن محمد علان رازی از طریق شیخ کلینی و کتاب *الکافی* است. بر این اساس، باید گفت کتاب *اخبار القائم* علیه السلام او احتمالاً در دست نعمانی نبوده یا این که دلیل دیگری داشته که از آن نقل نکرده است.^{۱۳۲}

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، شیخ کلینی در تدوین *الکافی* از منابع تاریخی متعددی بهره برده است.

شیخ کلینی از کتاب سلیم بن قیس، کتاب های جابر بن یزید جعفی، ابان بن تغلب، ابو محمد جعفری، ابواسحاق احمدی نهاوندی، اخبار السید اسحاق بن محمد نخعی، کتاب المبتدا والمبعث والمغازی والوفاء والسقیفة والردة اثر ابان بن عثمان، کتاب های جعفر بن محمد کوفی، ابراهیم بن محمد ثقفی، سلمه بن خطاب، نصر بن مزاحم منقری، هشام بن محمد بن سائب کلبی، محمد بن سنان، حسین بن حسن حسینی، اخبار القائم علیه السلام علان کلینی و منابع دیگر استفاده کرده است.

با توجه به شناسایی برخی منابع احتمالی داده های تاریخی *الکافی* این تصور که شیخ کلینی در تدوین کتابش تنها از اصول اربعمئه بهره جسته است، چندان صحیح به نظر نمی رسد.

برخی از منابع تاریخی شیخ کلینی در عصر غیبت صغرا تألیف شده اند و به عصر تدوین *الکافی* بسیار نزدیک اند؛ از جمله این منابع می توان به *اخبار القائم* علیه السلام و *اخبار السید* اشاره کرد.

با توجه به تألیف کتاب *الکافی* در عصر غیبت صغرا داده های تاریخی *الکافی*، به خصوص در باره امام حسن عسکری و امام زمان علیه السلام ارزش بسیاری دارد.

کتاب *الکافی* پس از تألیف مورد توجه طیف های مختلف محدثان مکتب قم و بغداد قرار گرفت و روایات آن در منابع حدیثی نسل های بعدی، مانند *الارشاد* شیخ مفید، *الغیبه* طوسی، *الغیبه* نعمانی، *کفایة الاثر خراز قمی* و کتاب های شیخ صدوق منعکس شد.

۱۳۲. به عنوان نمونه: همان، ص ۶۹، ۱۵۲، ۱۳۷، ۱۸۲، ۱۹۳، ۳۰۴، ۳۵۱، ۳۵۲، را به ترتیب مقایسه کنید با *الکافی*، ج ۱، ص ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۷۱، ۳۷۱.

کتابنامه

- اخبار السيد حمیری، محمد بن عمران مرزبانی خراسانی، تحقیق: محمد هادی امینی بیروت: شركة الکتبی للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تصحیح و تعلیق: میر داماد استرآبادی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- الارشاد، محمد بن محمد بن نعمان مفید، چاپ دهم، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- الغيبة، محمد بن إبراهيم نعمانی، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: انوارالهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- الغيبة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: شیخ عباد الله طهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، شعبان ۱۴۱۱ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
- المبتدا والمبعث والمغازی والوفاة والسقیفة والردة، ابان بن عثمان؛ تحقیق و بازسازی: رسول جعفریان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تصحیح و تعلیق و تقدیم: حاج میرزا حسن کوچه باغی، تهران: انتشارات اعلمی، ۱۳۶۲ش.
- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
- تذکرة الحفاظ، ذهبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ترتیب اسانید کتاب الکافی، سید حسین بروجردی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- تقریب المعارف، ابوالصلاح تقی الدین حلبی، تحقیق: فارس حسون تبریزیان، نشر المحقق، بی جا، ۱۴۱۷ق / ۱۳۷۵ش.
- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی، سید علی ابطحی اصفهانی، قم: ابن المؤلف السيد محمد، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری واسطی بغدادی، تحقیق: سید محمد

- رضا جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، صدوق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، چاپ دوم.
- کفایة الأثر، خزاز قمی، تحقیق: سید عبد اللطیف حسینی کوهکمری خویی، قم: انتشارات بیدار، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: سید علی قرایی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ق.
- «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده»، رسول جعفریان، آیین پژوهش، شماره ۳۹، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.

بحث في مصادر النصوص التاريخية في كتاب الكافي

اسماعيل اثباتي

السيد كاظم الطباطبائي

استعان الشيخ الكليني بعدد من المصادر المتقدمة عليه في تأليف كتابه الكافي، و له طرق لهذه المصادر. إلا أن محتويات بعض هذه المصادر وصلت اليه بواسطة كتب أخرى. ونحن في هذا المقال نحاول تسليط الأضواء على بعض المصادر التاريخية التي اعتمدها الكليني عليه السلام، فقد اعتمد على كتاب سليم بن قيس و كتب جابر بن يزيد الجعفي و أبان بن تغلب و ابي محمد الجعفري، و ابي اسحاق الاحمري النهاوندي، و اخبار السيد

اسحاق بن محمد النخعي، وكتاب المبتدأ والمبعث والمغازي والوفاء والسقيفة والردة لابان بن عثمان، وكتب جعفر بن محمد الكوفي، وابراهيم بن محمد الثقفي، وسلمة بن الخطاب، ونصر بن مزاحم المنقري، وهشام بن محمد بن السائب الكلبي، ومحمد بن سنان، وحسين بن الحسن الحسيني، واخبار القائم عليه السلام لعلان الكليني، ومصادر أخرى.

كما استعانت بعض الكتب التاريخية اللاحقة للكليني على كتاب الكافي باعتباره مصدراً لمحتوياتها، نظير: الارشاد للشيخ المفيد، كمال الدين وتمام النعمة للشيخ الصدوق، كفاية الاثر للخزاز القمي، الغيبة للشيخ الطوسي والغيبة للنعماني، حيث نقلت الكثير من معلوماتها عن الكافي.

الألفاظ المحورية: مكتبة الشيخ الكليني، مصادر الكافي، المصادر التاريخية للكافي.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی